

مریدی که زود مراد شد

آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست

رئیس انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه

خداوند متعال در آیه ۱ و ۲ سوره شمس می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ وَنُجُومُهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا: قسم به آفتاب و تابش آن (هنگام رفعتش) و قسم به ماه آنکه که در پی آفتاب تابان درآید.» عالمان شیعه و حتی غیرشیعه معتقدند دو کلمه «خورشید» و «ماه» در این آیه هم دارند که در کلام امام صادق(ع)، امام باقر(ع) و امام سجاد(ع)، «خورشید» حضرت رسول(ص) و «ماه» حضرت امیرالمؤمنین(ع) تعبیر و تفسیر شده است.

سیمای نبوی در نگاه علوی

جابر بن عبدالله به نقل از پیامبر اکرم(ص) آورده است: «فَقَدْ رَأَى بِالنَّجْمِ فَيَاذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَاقْتَدُوا بِالنَّجْمِ... فَقَالَ أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِيُّ(ع) الْقَمَرُ، پیرو خورشید باشید، وقتی غائب شد از ماه پیروی کنید... نا اینکه فرمود خورشید منم و علی(ع) ماه است.»

خورشید چند ویژگی خاص دارد: نخست

اینکه، خورشید نیاز همه زمان‌ها و مکان‌ها است تا آنجا که فقدان آن می‌تواند کل هستی را نابود کند. دوم، خورشید نیاز همه است و هیچ‌کس از نیاز به آن مبری نیست. سوم، طلوع هر روزه خورشید تکراری نمی‌شود این در حالی است که تکرار مکرر بهترین غذاها و منظره‌ها و حالات خسته‌کننده است. چهارم، خورشید بر تمام هستی می‌تابد؛ خودی و غیرخودی نمی‌کند به عبارتی «رحمة للعالمین» است. این ویژگی‌ها، البته فلسفه وجودی «ماه» هم هست. بنابراین، رفتار و سیره رسول خدا(ص) همچون خورشید، نیاز همه دوران‌ها است، همه انسان‌ها به سیره رسول خدا(ص) نیازمندان و برای همه درس است. ایشان رحمتی برای همه عالم هستند و تکراری نمی‌شوند.

سلیمان دیلمی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که یکی از مصادیق «قمر» و نه تنها مصادیق آن در آیه دوم سوره شمس «حضرت امیرالمؤمنین(ع) است و فلسفه وجودی ماه نیز دقیقاً همچون خورشید است؛ بدین معنا که مدت مصرف ندارد،

در شب ظلمانی به همگان می‌تابد و تکراری نمی‌شود. شاهد این مدعا، سیره و مشی اخلاقی حضرت علی(ع) در حیات‌شان است و از آن جمله می‌توان به نامه ایشان به مالک اشتر وقتی که او را به عنوان فرماندار به مصر می‌فرستد، اشاره کرد. ایشان در یکی از فرازهای خود در این نامه خطاب به مالک اشتر عنوان می‌کنند: «مردم دو گروه‌اند؛ گروهی برادر دینی تو هستند» و گروهی در آفرینش با تو همانندند.» انسانیت در نزد امیرالمؤمنین(ع) چنین سطحی دارد و ایشان نیز همچون رسول خدا(ص) رحمتی برای همه عالم‌اند. نهج‌البلاغه که گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه منسوب به ایشان است را اگر به پیروان دیگر ادیان عرضه کنیم، هر یک به طریقی بهره خود را از کلام ایشان خواهند برد؛ چراکه ایشان همه را خطاب خود قرار داده و همه می‌توانند مخاطب کلام ایشان باشند. اگر امیرالمؤمنین(ع) را این‌گونه بشناسیم می‌توانیم از مشی و سیره ایشان به عنوان نیاز همه زمان‌ها و مکان‌ها حرف بزنیم.

حضرت علی(ع)؛ نیاز همه زمان‌ها و مکان‌ها

پرسش مهمی که امروز باید در برابر خود قرار دهیم این است که چقدر ایشان را می‌شناسیم و چقدر از ایشان فاصله داریم؟ مبدا به جای برسیم که نتوانیم از امیرالمؤمنین(ع) و نهج‌البلاغه صحبت کنیم. مبدا کارگزاران، مسئولان، بازار، مردم، رسانه‌ها و... از ایشان فاصله بگیرند و از امیرالمؤمنینی حرف بزنند که با حقیقت ایشان فاصله دارد. امیرالمؤمنین نعمت است، نعمت‌های خداوند را قدر بدانیم و با شناخت ایشان است که می‌توان بابت این نعمت شکرگزاری کرد.

امیرالمؤمنین(ع)، نیاز همه دوران‌ها است؛ کلام ایشان، مشمول مرور زمان نشده و کهنه نمی‌شود اما متأسفانه آنچه‌ان که باید، ایشان معرفی نشده‌اند چراکه اگر این شناخت به درستی و تمام و کمال محقق می‌شد، باید در عمل و کردارمان هم بیش از این نمودار می‌شد.

حضرت علی(ع)؛ حجت مطلق

در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که «علیُّ مع الحقِّ والحقُّ مع علیٍّ؛

علی با حق است و حق با علی است.» و به تعبیری «علی(ع) و «حق» بر محور هم می‌چرخند. در این راستا، امام فخر رازی از علمای اهل سنت نیز به این امر اذعان می‌کند و می‌گوید: «فَقَدْ بُنِيَ بِالْأَثَرِ، وَ مَعِنَ أَقْدَى فِي دِينِهِ بَعْلَى بِنِ أُنَى طَالِبٍ فَقَدْ أَهْتَدَى / به درستی و با روایات متواتر ثابت شده است که هرکس در دینش به



عکس: خبرنگاری حوزه

علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام اقتدا کند، به راستی که هدایت شده است.» بر این اساس مبالغه نخواهد بود که اگر بگوییم حضرت علی(ع) حق و حجت مطلق و معیار ایمان و کفر است. *مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران از سخنرانی آیت‌الله علیدوست است که با عنوان «حضرت علی(ع)؛ نیاز همه زمان‌ها و مکان‌ها» در مسجد سیدان قم ارائه شد.

جایگاه «مردم» در سیره سیاسی امیرالمؤمنین(ع)

حکمرانی علوی



نگاه حضرت

علی(ع)

به مردم

را می‌توان

در این

فرموده‌اش

خطاب به

مالک اشتر،

نمایان

دید: «مردم

دو دسته

هستند یا

برادر دینی

تو یا هممنوع

تو که از آنان

لغزش سر

می‌زند و

ناراستی‌هایی

در کارشان

پیدا می‌شود.

از عفو و

گذشت

خودت به

همان‌سان

که

می‌خواهی و

می‌پسندی

که خدا از

تو درگذرد،

به آنان

پیشکش

کن.»

می‌توان یافت و مرحوم علامه مجلسی خودش از محدثانی است که به نفع مرحوم کلینی، کتاب بحار را با کتاب العقل و الجهل، شروع کرده (و در موضعی دیگر از نقش و کارکرد عقل، سخن گفته) است. بنابراین، درست است که ظاهر نظریه امامت شیعی، سلب مرجعیت از عقل است، اما در عمل، امامان شیعه همواره بر «عقل» تأکید کرده، در پی بسط تعقل و عقلگرایی در شیعه بوده‌اند تا جایی که فرموده‌اند: «به مسلمانان [و شیعیان] فاقد عقل، اعتنایی نمی‌شود.» (از امام رضا(ع)، کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۲۷).

حکمرانی مردمی

در خصوص نسبت امامت شیعی با جایگاه مردم در نظام سیاسی، باید گفت که گرچه در ظاهر، امامت شیعی که جامع امور دین و دنیا و از جمله، حکمرانی سیاسی است، با نقش جدی مردم سازگاری ندارد (و

مردم سالاری

دینی

شهید مطهری درباره شیوه برخورد امام علی(ع) با مردم می‌گوید: امیرالمؤمنین با خوارج در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد. این مطلب در تاریخ زندگی علی(ع) عجیب نیست؛ اما چیزی است که در دنیا کمتر نمونه دارد. آنان در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش با عقیده آزاد با آنان رویه رو می‌شدند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه رفتار کرده باشد.

۲۲ / ۵: الکامل فی التاریخ: ۳۹۸ / ۲؛ أنساب الأشراف بلاذری: ۱۳۵ / ۳.

روشن شد که حضرت علی(ع) با آنکه هم مشروعیت آسمانی داشت، هم با اقبال و بلکه اصرار مردم، زمام حکومت را در اختیار گرفته بود، نه تنها انتقاد و اعتراض را برمی‌تابفت، که مردم را به دریغ‌نگردن از انجام هر نوع خیرخواهی و انتقاد، تشویق می‌کرد. نگاه علی(ع) به مردم را می‌توان در این فرموده‌اش خطاب به مالک اشتر، نمایان دید: «و دلت را بر شرفار از محبت و لطف ایمان و کفر بنما و در برابر آنان همچون حیوان زنده‌ای نباش که در کمین دریدن آنهاست. مردم دو دسته هستند یا برادر دینی تو یا همتای تو در آفرینش (هممنوع) که از آنها لغزش سر می‌زند و ناراستی‌هایی در کارشان پیدا می‌شود و عمداً یا سهواً گاهی‌ای را انجام می‌دهند. از عفو و گذشت خودت به همان‌سان که می‌خواهی و می‌پسندی که خدا از تو درگذرد، به آنان پیشکش کن، که تو بر فرزند آنان هستی و متولی کار بر فراز توست و خدا بر فراز کسی است که تو را والی کرده و همو تو را کار آنان کفایت کرده و تو را به آنها آرموده است.» (عهدنامه مالک اشتر، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

طریق امام علی(ع)

استاد شهید مطهری درباره شیوه برخورد امام علی(ع) با مردم حتی مخالفانش می‌گوید: «امیرالمؤمنین با خوارج در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد. او خلیفه است و آنها رعیتش، هرگونه اعمال سیاسی برایش مقدور بود؛ اما او زندان‌شان نکرد و شلاق‌شان نزد و حتی سهمیه آنان را از بیات‌المال قطع نکرد، به آنان نیز همچون سایر افراد می‌نگریست. این مطلب در تاریخ زندگی علی(ع) عجیب نیست، اما چیزی است که در دنیا کمتر نمونه دارد. آنان در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش با عقیده آزاد با آنان رویه‌رو می‌شدند و صحبت می‌کردند، طرفین استدلال می‌کردند، استدلال یکدیگر را جواب می‌گفتند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه با دموکراسی رفتار کرده باشد. می‌آمدند در مسجد و در سخنرانی و خطابه‌های اخلال ایجاد می‌کردند. روزی امیرالمؤمنین(ع) بر منبر بود، مردی آمد و سؤالی کرد، علی(ع) بالبدیهه جواب گفت؛ یکی از خارجی‌ها از بین مردم فریاد زد: «قَاتِلَ اللَّهُ مَا أَفْقَهه: خدا بکشد این را، چقدر دانشمند است!» دیگران خواستند متعرض شوند، اما علی(ع) فرمود: «هایش کن، او به من تنها فحش داده (جاذبه و دافعه علی(ع)، ص ۱۴۳).

آنکه از شنیدن حق و عدالت احساس سنگینی کند عمل به آنها برایش سنگین تر است

بزش

علی(ع) به دلیل جایگاه و شأنی که برای «مردم» قائل بود خطاب به آنان می‌فرماید: بنابراین بدان‌سان که رسم سخن گفتن با جباران است یا من سخن مگویند و آنگونه که در حضور زورمندان پروا می‌کنید از من فاصله نگیرید و به صورت مصنوعی با من معاشرت نکنید و من خواهان بزرگ‌ساختن خویشم، زیرا آنکه از شنیدن حق و پیشهاد عدالت احساس سنگینی کند، عمل به آن دو، برایش سنگین تر است. پس از سخن حق و پیشهاد عدل دریغ‌نورزید که من در نزد خود برتر از آن نیستم که خطا نکنم و از خطا در کردار خویش نیز احساس ایمنی ندارم، مگر آنکه خدا حفظ نماید که او بیش از خود من هستی‌ام را مالک است.

